

کانون وکلا

شماره دوازدهم

اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

سال دوم

لزوم وحدت و تمرکز سازمان قضائی و قوانین آن

قسمت سوم - کمیسیونهای تشخیص

کمیسیون یا کمیسیونهای تشخیص نیز مانند دیوان داد رسی دارائی با تغییراتی بصورت امروزی درآمده است. و در حالت حاضر عبارت از هیئتهائی قضائی است که در مبنی و موارد اختلاف بین مؤدیان مالیاتی و ادارات دارائی با مقرراتی مخصوص رسیدگی مینمایند و پیدایش این هیئت ها از تاریخ وضع قانون مالیات املاک اربابی و دواب (مصوب بیستم دیماه ۱۳۰۴) شروع میشود:

ماده دهم آنقانون مقرر داشته است که در صورت بروز اختلاف راجع بمبلغ یا مقدار مالیات مؤدیان میتوانند بکمیسیون مخصوص که رأی اکثریت آن قاطع است و بطریق ذیل تشکیل میشود مراجعه نمایند - يك نفر نماینده از طرف مؤدی و یک نفر از طرف مالیه و یک نفر خبره محلی خارج از اعضاء مالیه که اداره مالیه و مؤدی بتراضی تعیین مینمایند. و اگر اتفاق حاصل نشود هر یکی دو نفر از معتمدین را تعیین و از بین چهار نفر يك نفر را بقرعه معین مینمایند. در دنبال این قانون ماده دوم قانون مالیات خالصجات انتقالی (مصوب

بیستم اسفند ماه ۱۳۰۶) نیز برای حل اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین خالصجات بوجود چنین کمیسیونی قائل شده است منتهی با این تغییر که در مورد عدم تراضی مالیه و مؤدی برای تعیین حکم ثالث اختیار را بحکمهای طرفین داده است که حکمین اختصاصی چهار نفر را تعیین نمایند و یکی از آن چهار نفر بحکم قرعه حکم ثالث معین شود.

بعداز این دو قانون قانون مالیات برش رکتها و تجارت و غیره (مصوب ۱۲ فروردین ۱۳۰۹) وضع گردید که نسبت بکلیه اختلافات حاصله بین مؤدیان مالیاتی و ادارات دارائی این ترتیب را شناخت و در ماده ۱۵ آن چنین مقرر داشت: «هر گاه بین مالیه و مؤدی مالیات راجع بمیزان عایدات و مالیات اختلافی حاصل شود بجز مورد مذکور در ماده ۱۳ این قانون هر یک از طرفین حق دارند بکمیسیونیکه مطابق ترتیب مشروح در ماه ۱۰ قانون موسوم بقانون مالیات املاک اربابی و دواب (مصوب بیستم دیماه ۱۳۰۴) تشکیل خواهد شد رجوع نمایند و رأی اکثریت کمیسیون قاطع است»

استثنائی که در این ماده نسبت بمورد مذکور در ماده ۱۳ نموده باین نظر است که در ماده مزبور مشمولین مالیاتی را عموماً مکلف نموده است باینکه تا ۱۵ خرداد هر سال اظهارنامه بدهند و آنانکه باین تکلیف عمل ننمایند اداره مالیه میزان مالیاتشان را تعیین خواهد کرد و در این صورت هیچگونه اعتراضی از مؤدیان مزبور پذیرفته نخواهد شد. مگر آنکه عندر موجه داشته باشند و با مدارک کافی آنرا نزد مالیه محل ثابت نمایند و بمباراة اخری فقط برای دو دسته حق اعتراض قائل شده است: کسانیکه اظهارنامه داده اند و اداره مالیات بر آن اعتراض داشته اخطار یا پیش آگهی صادر نموده است و کسانیکه اصلا اظهارنامه نداده ولی معنور بوده اند:

بطوریکه ملاحظه میشود در دوره نفوذ و اجرای این قوانین کمیسیون مزبور عنوان حکمیت داشته و باقتضاء اصل تشکیل حکمیت مقرر بوده است که در هر موردی بانتخاب متراضی طرفین اختلاف یا بقید قرعه چنین هیئتی تشکیل گردد. ولی برای اولین دفعه قانون مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ هم عنوان مشروع این کمیسیون و هم طرز تشکیل آنرا تغییر داد بموجب ماده ۱۷ این

قانون تشخیص عایدات خالص و متعلق مالیات مشمولین از روی قرائن و امارات مقرر در نظامنامه تصویب کمیسیون قوانین مالیه معین گردیده و مینویسد .

« برای تشخیص اینکه قرائن و امارات در هر محل حاکی از چه میزان

عایدات است و نیز برای رفع اختلاف بین مالیه و مؤدیان در هر حوزه يك یا چند کمیسیون موسوم بکمیسیون تشخیص تشکیل میشود و طرف تشکیل کمیسیونهای تشخیص و حدود صلاحیت و طریق رسیدگی آنها در نظامنامه مصوب کمیسیون قوانین مالیه تعیین خواهد شد » و در ماده بیستم رأی کمیسیون تشخیص را تا پنجهزار ریال قطعی دانسته و در مواردی که موضوع اختلاف راجع بمالیاتی باشد که مبلغ آن از پنجهزار ریال تجاوز نماید میتوان در ظرف یکماه از تاریخ رؤیت حکم کمیسیون بمحکمه تجدید نظر دیوان محاکمات مالیه رجوع نمود بشرط آنکه مبلغ مورد حکم کمیسیون در صندوق مالیه و دیعه گذاشته شود و بعد از این تغییر قانون مالیات بر ارث (مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱۶) نیز رسیدگی بخواستی که نسبت بمالیات مشخصه و مورد مطالبه مالیه میشود را نیز بکمیسیونهای تشخیص ارجاع نموده است :

قانون ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ بموجب قانون ۲۸ - ا - قندماه ۳۱۷ اصلاح

و درمفاد دو ماده مزبور تغییری نداد ولی قانون ۱۹ آبان ۱۳۲۲ در ماده ۱۹ طرف تشکیل آنرا باین ترتیب تعیین نمود . یکنفر از طرف رئیس دارائی یکنفر قاضی از طرف رئیس دادگستری و یکنفر هم از طرف اطاق بازرگانی یا انجمن شهرداری یا کمیته کشاورزی یا انجمن پزشکان یا طبقه ای که مؤدی جزء آن طبقه است بانتخاب مؤدی طبق آئیننامه مخصوص انتخاب میشود ریاست کمیسیون با نماینده دادگستراست و سپس مینویسد :

« کلیه اشخاصی که نسبت باجرای مقررات این قانون از مأمورین دارائی

شاکی بوده یا نسبت به تشخیص و تعیین میزان بدهی مالیاتی خود معترض باشند میتوانند برای رسیدگی بشکایات و رفع اختلاف باین کمیسیون مراجعه نمایند و کمیسیون نامبرده موقع دفاع و محل رسیدگی را تعیین و بشاکی ابلاغ خواهد نمود - رأی صادره از کمیسیون نسبت بمؤدی مالیاتی و دولت قطعی بوده مگر اینکه در ظرف یکماه وزارت دارائی یا مؤدی از رأی کمیسیون

بدیوان دادرسی دارائی استیناف بخواهد » .

قانون ۱۹ آبانماه ۱۳۲۲ که نرخهای مالیاتی افراطی داشت بقانون مالیاتی زمان جنگ معروف و بهمین جهت در ماده ۲۲ آن مقرر گردیده بود که شش ماه بعد از انعقاد صلح لایحه تجدید نظر شده آن از طرف دولت بمجلس شورای ملی تقدیم شود . این لایحه در دوره چهاردهم بمجلس پیشنهاد شد ولی تا آخر آن دوره بعلت جریان قضایای پارلمانی و پرسروصدای آن دوره معوق ماند و از تصویب مجلس نگذشت و دولت با صدور تصویب نامه شماره ۱۴۲ ۲۵/۱/۸ گزارش کمیسیون قوانین دارائی آن مجلس را دراین باب قانون شناخته و دستور اجراء داد :

در این تصویب نامه گفته شده است که چون ماده ۲۲ قانون مالیات بر درآمد ۱۹ آبانماه ۱۳۲۲ دولت را موظف نموده است که شش ماه پس از جنگ لایحه تجدید نظر شده آنرا بمجلس تقدیم نماید و در آذر ماه ۱۳۲۴ باین تکلیف عمل نمود و در ضمن مذاکرات مجلس معلوم شد که قوه مقننه اصولاً با اصلاح قانون مزبور موافق بوده و از تصویب قانون ۲۲ آذر ماه ۳۲۴ که طرز وصول سال ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ را ترتیب دیگری مقرر داشت مدال میشود که مجلس عملی نبودن قانون ۱۹ آبان ۱۳۲۲ را تصدیق نموده است و لایحه تقدیمی در ۱۵ آذر ماه ۱۳۲۴ در کمیسیون قوانین دارائی مطرح و پس از مطالعات دقیقه در کمیسیون در تاریخ ۱۶/۱۲/۲۴ مورد تصویب واقع و راپورت آن بمجلس پیشنهاد و بعلت ضیق وقت و انقضاء مدت قانونی مجلس مجال تصویب قطعی آنرا نیافت و نظر باینکه قانون ۱۹ آبان ۱۳۲۲ اصولاً ناظر بزمان جنگ بوده در این موقع که جنگ پایان یافته مواجه با اشکالات زیاد و عملی نیست و نرخهای آن نیز عادلانه بنظر نمیرسد لذا تصویب میشود که ماده واحده راجع بتجدید نظر در قانون مالیات بر درآمد که در تاریخ ۱۶ اسفندماه ۱۳۲۴ از تصویب کمیسیون قوانین دارائی مجلس گذشته است از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۲۵ موقتاً بموقع اجراء گذاشته شود . و ذیلا وزارت دارائی را موظف نموده است که پس از رسمیت یافتن دوره پانزدهم تقنینیه لایحه نامبرده را برای تصویب قطعی بمجلس تقدیم نمایند :

متن این ماده واحده شامل ۹ بند و شش تبصره میباشد و برعایت اختصار فقط بند اول آن که مربوط بموضوع بحث نیز میباشد نقل میشود :

« قانون مالیات بر درآمد مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ و قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۷ و آئین نامهای آن با رعایت اصلاحاتی که در این قانون مقرر میشود از اول سال ۲۵ مجدداً بموقع اجراء گذاشته شده و از مجموع درآمد ویژه سالیانه مشمولین قوانین نامبرده و اشخاصی که طبق این قانون مشمول خواهند شد مالیات گرفته میشود و به وزارت دارائی اجازه داده میشود نرخ مالیات مزبور را تا صدی سی ترقی دهد و کمتر از دوازده هزار و یکریال در آمد سالیانه از پرداخت مالیات معاف میباشد :

بنا بر این از آن تاریخ طرز تشکیل و رسیدگی کمیسیونهای تشخیص بصورت مقرر در ماده قانون ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ برگشت تادر دوره پانزدهم که بعد از تقدیم مجدد لایحه اصلاحی دولت و تصویب قانون اجازه اجرای آن پس از تصویب کمیسیون قوانین دارائی در تاریخ ۲۹ تیر ماه ۱۳۲۷ قانون مزبور از تصویب کمیسیون گذشت و قابل اجراء گردید :

ماده ۳۲ قانون مزبور کلیه قوانین و مقررات مخالف آن قانون و قانون مالیات بر درآمد مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ و قانون اصلاح قانون مالیات بر درآمد مصوب اسفند ۱۳۱۷ و تصویبنامهای مالیاتی را کلاً ملغی نموده و برای طرز تشکیل و رسیدگی کمیسیون تشخیص طی ماده ۲۲ که ذیلا نقل میشود ترتیب دیگری را مقرر داشته است :

« ماده ۲۲ - چنانچه مؤدی نسبت بمیزان مالیات مشخصه معترض باشد میتواند در ظرف یکماه پس از تاریخ ابلاغ پیش آگهی اعتراض کتبی خود را با ذکر دلیل مستقیماً یا بوسیله پست سفارشی یا تلگرافی باداره دارائی مربوطه تسلیم نماید . در صورتیکه مؤدی در ظرف مدت مقررا اعتراض ندهد مالیات مشخصه قطعی خواهد بود مگر آنکه در اعمال ضریب یا محاسبه اشتباه شده باشد ادارات دارائی میتوانند اختلافات حاصله را از طریق توافق حل و فصل نمایند و در صورت حصول توافق برای طرفین قطعی خواهد بوده برای رسیدگی

با اعتراضات مؤدیان مالیاتی نسبت بمیزان مالیات معینه در هر يك از نقاطی که اداره دارائی دایر باشد يك یا چند کمیسیون بدوی تشخیص مرکب از سه نفر تشکیل میشود کارمندان کمیسیون نامبرده عبارت خواهد بود از :

۱ - فرماندار یا بخشدار یا نماینده او :

۲ - رئیس دارائی یا نماینده او :

۳ - نماینده اطاق بازرگانی برای رسیدگی باختلاف کسبه و تجار و شرکتهای :

۴ - نماینده شورای کشاورزی یا یکی از مالکین معتمد محل برای رسیدگی باختلافات املاک مزروعی درموضوع آفت یا خسارت

۵ - نماینده انجمن شهر و یا شورای بخش برای رسیدگی بسایر اختلافات :

کمیسیون تشخیص باظهارات و دلایل طرفین رسیدگی و رأی خود را با اکثریت اعلام خواهد داشت . این رأی پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم الاجرا است مگر درمواردی که ما به الاختلاف بین مالیات مشخصه ازطرف کمیسیون ومبلغی که مورد تصدیق مؤدی با مطالبه دارائی است بیش از بیست و پنج درصد باشد . در این صورت میتوان در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ رأی بکمیسیون تجدید نظر اعتراض نمود :

کمیسیون تجدید نظر مرکب خواهد بود از فرماندار یا بخشدار یا نماینده او - رئیس دارائی یا نماینده او و دو نفر از رؤساء یا کارمندان ارشد ادارات دولتی در محل - یک نفر از نمایندگان اطاق بازرگانی برای بازرگانان و کسبه و تجار و شرکت هسا و یک نفر از نمایندگان انجمن شهر برای سایر مؤدیان و یک نفر نماینده شورای کشاورزی یا مالکین معتمد محلی برای املاک مزروعی :

رأی کمیسیون تجدید نظر غیر قابل اعتراض است مگر درسواوردیکه ما به الاختلاف بین مالیات مشخصه از طرف کمیسیون و مبلغی که مورد قبول مؤدی است از سیصد هزار ریال تجاوز نماید . در چنین صورت ادارات دارائی یا مؤدی میتوانند بمحکمه تجدید نظر دیوان دادرسی دارائی در ظرف مدت

سی روز از تاریخ ابلاغ رأی مراجعه نماید رای دیوان دادرسی قطعی و لازم الاجرا است هرگاه مراجعه بدیوان دادرسی دارائی از طرف مؤدی بشود قبلاً باید معادل مبلغ ما به الاختلاف وجه نقد ودیعه سپرده و یا تضمین معتبر که مورد قبول دارائی باشد بسپارد :

این قانون تنها قانون فعلی و هنوز بقوت اجرائی خود باقی است ولی در مواد ۱۹ و ۲۵ و ۲۸ و ۳۰ تشخیص جرائم زیان دیرکرد وصول کلیه مالیاتهای موضوع آن . تشخیص درآمد املاک زراعتی و آفات آن و خرید و تحویل مازاد غله را موقوف به آئین نامه هائی نموده است که کمیسیون قوانین دارائی مجلس آنرا تصویب کرده باشد و چون بعد از وضع آن بلافاصله دوره تقنینیه ۱۵ تمام و مجلس تعطیل گردید و دیگر کمیسیونی وجود نداشت که آئین نامه های مزبور را تصویب نماید قهراً جریان کامل آن بحال بلا تکلیفی است :

کیفیت تشکیل این کمیسیونها و طرز رسیدگی بی رويه و صدور رأی و اعتراض بر آن و تأمینهای حق تضییع کنی که خواسته میشود و بالاخره قطعیت احکام نیز در حالت حاضر صورتی برخلاف عدالت داشته و با مقررات قوانین موجوده انطباق کامل ندارد که تشریح هر قسمتی از آن مستلزم نگارش مقالاتی است و ما چون اساساً تشکیل آنها را برخلاف اصول میدانیم در این موضوعات وارد بحث نمیشویم و تنها منظور ما از نقل مفاد یا نصوص قوانین مزبور مطالعه در جهات مولده این کمیسیونها است و از این نقطه نظر باین نتیجه میرسیم که بیش از سه جهة ذیل در این زمینه وجود ندارد :

۱ - تشخیص ضرائب مالیاتی و تعیین ارزش محلی قرائن و امارات قانونی یا نشانیها تا بدان وسیله سود ویژه هر مؤدی که مأخذ مطالبه و پرداخت مالیات است طبق نرخهای معینه معلوم و تشخیص گردد :

۲ - تحصیل موافقت مؤدیان ب مبلغهای معینه و دعوت آنها بسازش که حل اختلاف از طریق تراضی و توافق میباشد :

۳ - رسیدگی باختلافات یا دعاوی مالیاتی و قضاوت در آن باب با

وسائل غیر قابل اعتمادی که معمول است :

این نکته قابل قبول است که طبق اصول و قوانین مطالبه و دریافت مالیات از تکالیف قوه اجرائیه (یا مجریه) میباشد و بنابر این تعیین مقدماتی ضرائب یا تشخیص ارزش فرائض و امارات و همچنین توافق و سازش بامؤدیان در صلاحیت وزارت دارائی است که برای آنهم تشکیل کمیسیون یا کمیسیونهایی بصورت فعلی ضرورت ندارد و هر یک از ادارات مربوطه دارائی قادر به انجام چنین وظیفه ای خواهند بود و لسی تردیدی نیست در اینکه قسمت سوم یعنی تشکیل کمیسیونهای تشخیص در محیط دارائی و صلاحیت دادن بآنان در رسیدگی بدعاوی مالیاتی (بکلی برخلاف اصول قوانین اساسی ما است و بهیچوجه نمی توان بهیئت های دیگری غیر از محاکم داد گاههای داد گستری بنام محل اختلاف حق قضاوت در دعاوی و حقوق عمومی را داد و با اختصاری نمودن رسیدگی بدعاوی و محاکمات عموماً و لاقلاً نسبت بقضایای مالیاتی بخوبی میتوان منافع و حقوق دولت را بهتر از صورت فعلی صیانت و اجرای عدالت را تأمین نمود .

شعبه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارسال خلعت بری

دعوی در مقابل سند مالکیت

اول - در فصل سوم قانون ثبت اسناد مصوب ۱۳۱۱ دو ماده زیر - دیده میشود :

(ماده ۲۱ - پس از اتمام عملیات مقدماتی ثبت ملك در دفتر املاك ثبت شده و سند مالکیت مطابق ثبت دفتر املاك داده میشود .

ماده ۲۲ - همینکه ملكی مطابق قانون در دفتر املاك ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملك باسم او ثبت شده و یا کسی را که ملك مزبور